

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا اهل سنت سفر گروهی برای زیارت قبور اولیاءالله را قبول دارند؟

هر ساله بر سیل عظیم زائران حسینی در اربعین امام حسین علیه السلام افزوده می شود و عاشقان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از هر دین و مذهبی (از جمله اهل سنت دوستدار اهل بیت) خود را به این گردهمایی باشکوه می رسانند. اما برخی، حضور اهل سنت در این اجتماع بزرگ زیارتی را بر نتابیده و شروع به تشکیک در جواز سفر گروهی برای زیارت کرده و این نوع زیارت را از اختصاصات شیعه می دانند. این در حالی است که با بررسی منابع و متون دینی اهل سنت، به وجود سفر گروهی برای زیارت قبور شهدا توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، صحابه و بزرگان اهل سنت پی می بریم. نوشتار حاضر در صدد ارائه ادله و شواهد در این زمینه می باشد.

مقدمه

محبت اهل بیت علیهم السلام در دل‌های مسلمانان شیعه و سنی وجود دارد و همه بر خود واجب می دانند که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست داشته باشند. هرچقدر این محبت بیشتر باشد نمودهای آن در رفتار فردی و اجتماعی بیشتر خواهد بود. گاهی این محبت آنچنان زیاد است که چون مغناطیس جسم و جان محبان را به سمت کانون این محبت جلب می کند. این محبت و مودت موتور محرک عاشقان برای حضور در کنار قبور آنها و ابراز مودت و محبت خود به ایشان است. چنانکه همه مسلمانان مودت اهل بیت علیهم السلام را مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند و همه ساله فوج فوج و گروه گروه به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام می روند.

در صدر اسلام و پس از حادثه کربلا طبیعی است حاکمانی که با علویان دشمنی داشتند اجازه نداده اند کسی برای اهل بیت علیهم السلام مجلس عزاء برگزار کند و نباید اثر و خبری در کتب و جوامع و مسانید متداول و عمومی آن مقطع بر رجحان عزاداری باشد. چنانکه اگر کسی کمترین ابراز محبتی به اهل بیت علیهم السلام داشت متهم به تشیع و رفض شده و از جامعه علمی طرد و مغضوب حکومتها می شد. حکومت‌هایی که حتی از قبر امام حسین علیه السلام نیز می ترسیدند و آنرا ویران کرده و زائران آن قبر را مجازات می کردند. نتیجه این سانسور و خفقان مهجور ماندن سخنان اهل بیت علیهم السلام و معالم و آثار آنها در میان مسلمانان بود. در اثر تلاش‌های بزرگانی چون ابوحنیفه در حمایت از قیام علویان، احمد بن حنبل در ترییع و به رسمیت شناختن خلافت امام علی علیه السلام، شافعی در تثبیت حب آل محمد صلی الله علیه و آله و نسائی در زنده نگه داشتن خصائص اهل

بیت علیه السلام، دشمنی با اهل بیت علیهم السلام کم شده و برخی از آثار آنها نقل و منتشر شد. اکنون اهل سنت در محبت اهل بیت علیهم السلام و امدار این امامان فقه و حدیث هستند.

شیعیان برای برگزاری مجلس عزای امام حسین علیه السلام و پیاده روی دسته جمعی و باشکوه برای زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام مطیع دستورات ائمه اهل بیت علیهم السلام بوده و با استناد به ادله متقن، این امور را مستحب موکد می دانند. آنها برای کسب ثواب و اجر الهی این سختی را به جان می خرنند و در این راه بذل جان و مال می کنند. اهل سنت نیز مودت اهل بیت علیهم السلام را واجب دانسته و زیارت قبور آنها و اظهار محبت به آنها را مستحب می دانند.

برخی در جواز زیارت به صورت گروهی و کاروانی و سفر برای زیارت قبور اولیای خدا تشکیک می کنند و می گویند این کار دلیل روایی و تاریخی ندارد و گذشتگان چنین زیارتی شبیه آنچه که امروزه در خصوص زیارت اربعین حسینی صورت می گیرد، انجام نمی دادند اما با دقت و تأمل در متون روایی و تاریخی به این نکته پی می بریم که نه تنها مسلمانان بلکه صحابه و حتی خود پیامبر به صورت گروهی برای زیارت قبور شهدا سفر می کرده اند.

سفر به قصد زیارت قبور شهداء توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت گروهی با صحابه

در سنن ابی داود روایت معتبری از زیارت دسته جمعی اصحاب با رسول خدا صلی الله علیه و آله از قبور شهدای احد چنین نقل شده است:

«حدثنا حامد بن يحيى ثنا محمد بن معن المديني أخبرني داود بن خالد عن ربيعة بن أبي عبد الرحمن عن ربيعة يعني بن الهدير قال ما سمعت طلحة بن عبيد الله يحدث عن رسول الله صلى الله عليه وسلم حديثاً قط غير حديث واحد قال قلت وما هو قال خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم يريد قبور الشهداء حتى إذا أشرفنا على حرة واقم فلما تدلينا منها وإذا قبور بمحنية قال قلنا يا رسول الله أقبور إخواننا هذه قال قبور أصحابنا فلما جئنا قبور الشهداء قال هذه قبور إخواننا»^۱

ربيعه - یعنی ابن هدير - و او از طلحه ابن عبیدالله، روایت می کند: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله تصمیم به زیارت قبور شهدای احد گرفتند با ایشان به راه افتادیم و از سنگلاخهای اطراف مدینه گذشتیم. قبرهایی در دوردست دیدیم و از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدیم، یا رسول الله! آیا اینها قبرهای برادران ماست؟ حضرت فرمود: قبر اصحاب ماست. وقتی که به قبور شهدای احد رسیدیم، حضرت فرمودند، اینها قبور برادران دینی ماست.

^۱ سجستانی، ابوداود، سنن ابی داود ج ۲ ص ۲۱۸.

صَحِيحُ سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ

لِلإِمَامِ الْحَافِظِ سَلِيمَانَ بْنِ الْأَشْعَثِ السَّجِسْتَانِيِّ
المتوفى سنة ٢٧٥ هـ رحمه الله

تأليف
محمد ناصر الدين الألباني

المجلد الأول

مكتبة المعارف للنشر والتوزيع
لعمادتها سعد بن عبد الرحمن الرشيد
الرياض

این روایت را احمد بن حنبل نیز نقل کرده است ^۲

مقدسی در خصوص روایت می گوید: سندش صحیح است. ^۳ شعب الأرنؤوط محقق مسند أحمد بن حنبل نیز آن را حسن

می داند و البانی نیز در صحیح سنن ابی داود آن را صحیح دانسته است. ^۴

^۲ شیبانی، احمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۳ ص ۱۰ مؤسسة الرساله شعب الأرنؤوط

^۳ مقدسی، محمد بن عبد الواحد، الأحادیث المختارة ج ۳ ص ۱۴ مکه، مكتبة النهضة الحديثة.

^۴ البانی، ناصر، صحیح سنن ابی داود، ج ۱ ص ۵۷۱ چاپ ریاض.

۲۰۴۲ - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

« لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا ، وَلَا تَجْعَلُوا قُبُورَ عِيْدًا ، وَصَلُّوا عَلَيَّ ، فَإِنْ صَلَاتَكُمْ بَلَغْنِي حَيْثُ كُنْتُمْ » .

- صحيح .

۲۰۴۳ - عَنْ رَبِيعَةَ - يَعْنِي : ابْنَ الْهَدَيْرِ - ، قَالَ : مَا سَمِعْتُ طَلْحَةَ بْنَ عُبَيْدِ اللَّهِ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَدِيثًا قَطُّ ؛ غَيْرَ حَدِيثِ وَاحِدٍ ، قَالَ : قُلْتُ : وَمَا هُوَ ؟ قَالَ : « أَخْرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يُرِيدُ قُبُورَ الشَّهْدَاءِ ، حَتَّى إِذَا أَشْرَقْنَا عَلَى حَرَّةٍ وَأَقِمَّ ، فَلَمَّا تَدَلَّيْنَا مِنْهَا وَإِذَا قُبُورٌ بِمَحْنِيَةٍ ، قَالَ : قُلْنَا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ! أَقْبُورُ إِخْوَانِنَا هَذِهِ ؟ قَالَ : « قُبُورُ أَصْحَابِنَا » ، فَلَمَّا جِئْنَا قُبُورَ الشَّهْدَاءِ ؛ قَالَ :

« هَذِهِ قُبُورُ إِخْوَانِنَا » .

- صحيح .

۲۰۴۴ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنَاخَ بِالْبَطْحَاءِ الَّتِي بِذِي الْحُلَيْفَةِ ، فَصَلَّى بِهَا .

فَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ ، يَفْعَلُ ذَلِكَ .

- صحيح : ق .

۲۰۴۵ - عَنْ مَالِكٍ ، قَالَ : لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يُجَاوِزَ الْمُعْرَسَ ؛ إِذَا قَفَلَ رَاجِعًا إِلَى الْمَدِينَةِ ، حَتَّى يُصَلِّيَ فِيهَا مَا بَدَأَ لَهُ ؛ لِأَنَّهُ بَلَغْنِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ

مُسْنَدُ الإمام أحمد بن حنبل

(١٦٤ - ٢٤١ هـ)

اشرف على تحقيقه
الشيخ شعيب الأرنؤوط

مَقَرُّ هَذَا الْمَرْكَزِ وَفَرَحَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَعَقَلُ عَلَيْهِ
شُعَيْبُ الْأَرْنَؤُوطُ عَادِلٌ مُرَشِّدٌ

الجزء الثالث

مؤسسة الرسالة

فقال طلحة: هي، - والله - هي^(١).

١٣٨٧ - حدثنا علي بن عبد الله، حدثني محمد بن متي الغفاري، أخبرني داود بن خالد بن دينار:

أنه مر هو ورجل يقال له: أبو يوسف من بني تميم، على ربيعة بن أبي عبد الرحمن، قال: قال له أبو يوسف: إنا لنجد عند غيرك من الحديث ما لا نجد عندك. فقال: أما إن عندي حديثاً كثيراً، ولكن ربيعة بن الهذيل قال - وكان يلزم طلحة بن عبيد الله -: إنه لم يسمع طلحة يحدث عن رسول الله ﷺ حديثاً قط غير حديث واحد. قال ربيعة بن أبي عبد الرحمن: قلت له: وما هو؟ قال: قال لي طلحة: خرجنا مع رسول الله ﷺ، حتى إذا أشرفنا على حرة واقم، قال: فذئبنا منها، فإذا قبور بمخينة، فقلنا: يا رسول الله، قبور إخواننا هذه؟ قال: «قبور أصحابنا، ثم خرجنا حتى إذا جئنا قبور الشهداء» قال: قال رسول الله ﷺ: «هذه قبور إخواننا»^(٢).

قال: رأيت إصبعي طلحة قد شئت، اللتين وقى بهما النبي ﷺ يوم أحد.
(١) إسناده صحيح، إبراهيم بن مهدي: هو المصيصي، بغدادي الأصل، سكن المصيص، روى عنه جمع ووثقه أبو حاتم وابن قانع، وذكره ابن حبان في الثقات وأخرج له أبو داود، ومن فوقه ثقات.
وأخرجه النسائي في «اليوم والليلة» (١١٠٠)، والحاكم ١/٣٥١-٣٥٠، وعنه البيهقي في «الأنساب والصفات» ص ٩٨ من طريق علي بن مسهر، عن مطرف، بهذا الإسناد، وصححه الحاكم على شرط الشيخين، ووافقه الذهبي، وأغذا وهم منهما رحمهما الله تعالى، فإن يحيى بن طلحة لم يخرج له سوى الترمذي وابن ماجه والنسائي. وانظر ما تقدم برقم (١٣٨٤).

(٢) إسناده حسن، رجاله ثقات رجال الصحيح غير داود بن خالد بن دينار، فمن -

با دقت در کلمات «خرجنا» و «یرید» که به این صورت در روایت آمده است: «خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُرِيدُ قُبُورَ الشَّهَدَاءِ»، روش می شود که صحابه در کنار پیامبر ﷺ آنها به صورت گروهی به قصد زیارت قبور شهداء می رفتند لذا همان کاری که امروزه شیعیان و اهل سنت در خصوص زیارت قبر شهید کربلا در اربعین به صورت گروهی و کاروانی انجام می دهند، در صدر اسلام بوده و خود پیامبر و صحابه به صورت دسته جمعی آن مسیر طولانی مدینه تا قبور شهدای احد را می پیمودند از آنجا که این روایت در منابع مهم اهل سنت نقل شده است و سند آن نیز دارای اعتبار است، نشان از این دارد که این نوع رفتن برای زیارت در بین اهل سنت در گذشته ثابت بوده است.

سفر گروهی اصحاب با پیامبر ﷺ برای زیارت قبرستان بقیع

همچنین در روایات فراوانی نقل شده است که صحابه به همراه پیامبر ﷺ، جهت زیارت، به صورت گروهی به قبرستان بقیع مشرف می شدند. ابن مبارک و قرطبی روایتی را چنین نقل می کنند: «خرج رسول الله ﷺ في أصحابه إلى بقیع الغرقد

فقال السلام عليكم يا أهل القبور...»^۵ پیامبر ﷺ با اصحابش به بقیع رفتند حضرت وقتی رسید فرمود سلام بر شما ای اهل قبور...

با دقت در این روایت که اشاره به خروج پیامبر ﷺ به همراه صحابه شده است و روایاتی که در آنها صحابه هنگام زیارت بقیع، می گفتند: «و نحن خلفه»^۶ «ما پشت سر پیامبر ﷺ در قبرستان بقیع بودیم» به این نتیجه پی می بریم که زیارت گروهی و یا به اسم امروزه کاروانی، سابقه ای بس طولانی داشته و از سیره مستمر پیامبر ﷺ و صحابه بشمار می رفت.

در مصادر شیعه نیز نقل شده است که پیامبر ﷺ و اصحابشان به صورت دسته جمعی به زیارت قبرستان بقیع می رفتند:

صفوان جمال از امام موسی بن جعفر نقل کرده که فرمودند: پیامبر ﷺ غروب هر پنج شنبه با اصحاب خود به بقیع می رفتند و می فرمودند: سلام بر شما اهل خانه های قبور (سه مرتبه)، و می فرمود: خدای رحمتان کند (سه مرتبه)، سپس به اصحاب خویش رو می کردند و می فرمودند: اینان از شما برترند. اصحاب می پرسیدند: چرا ای پیامبر؟ آنها ایمان آوردند، ما هم ایمان آوردیم. جهاد کردند و جهاد کردیم. فرمود: اینان ایمان آوردند ولی ایمانشان را با ستم نیامیختند و بر همین روش طی مسیر کردند و من گواه بر آنان بودم، اما شما بعد از من باقی می مانید در حالی که من نمی دانم که چه خواهید کرد^۷ پیامبر خدا نسبت به یاران خود حرمت فراوان قائل بودند و خود را به حضور در بقیع موظف می دانستند. طبق نقل های تاریخی، پیامبر ﷺ در هفته مکرر به بقیع می رفتند و دست به دعا برمی داشتند و از خدا چنین می خواستند: «اللهم اغفر لاهل بقیع الغرقه»^۸ حتی در اواخر عمر خویش با حال مریضی که داشتند دست حضرت علی (ع) را گرفتند و جماعتی از مردم هم با ایشان همراه بودند، به بقیع رفتند. به همراهان فرمودند: من مأمور شده ام برای اهل بقیع طلب مغفرت کنم. حضرت مقابل اهل قبور ایستاده، فرمودند: سلام بر شما اهل قبور، تهنیت می گویم بر شما از آنچه که شما صبح نموده و در وضع مردم قرار ندارید، فتنه هایی همچون پاره های شب تار بر مردم هجوم آورده اند ... سپس به صورت طولانی برای اهل بقیع مغفرت طلب کردند^۹.

^۵ مروزی، ابن مبارک، الزهد لابن المبارك ج ۱ ص ۱۷۱: دار الکتب العلمیه - بیروت، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی قرطبی، ابوعمر یوسف، الاستذکار ج ۵ ص ۱۱۱ دار الکتب العلمیه - بیروت - ۲۰۰۰م، چاپ اول، تحقیق: سالم محمد عطا-محمد علی معوض.

^۶ ابن شبة، عمر، أخبار المدینة ج ۱ ص ۶۵: دار الکتب العلمیه - بیروت - ۱۴۱۷هـ-۱۹۹۶م، تحقیق: علی محمد دندل و یاسین سعد الدین بیان.

^۷ ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص: ۳۲۰

^۸ نووی، المجموع ج ۵ ص ۲۷۵

^۹ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۶۶

بنابراین با توجه به روایات وارده در منابع معتبر اهل سنت و شیعه، رفتن به زیارت قبور در بقیع نیز به صورت گروهی بوده است.

سفر زیارتی سلمان به همراه برخی صحابه

سلمان فارسی همراه با جندب ازدی که از اصحاب^{۱۱} پیامبر ﷺ بود، به صورت دو نفره به زیارت قبور می رفتند.

ابن ابی شیبه روایتی ذیل باب «ما ذُکِرَ فی التَّسْلِيمِ علی الْقُبُورِ إِذَا مَرَّ بِهَا مِنْ رَخَّصَ فی ذَلِك» چنین نقل می کند:

« حَدَّثَنَا بَنُ فُضَيْلٍ عَنِ الْأَجَلَجِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكٍ عَنْ جُنْدَبِ الْأَزْدِيِّ قَالَ خَرَجْنَا مَعَ سَلْمَانَ إِلَى الْحَرَّةِ حَتَّى إِذَا أَنْتَهَيْنَا إِلَى الْقُبُورِ اتَّفَقَ غَنَ يَمِينِهِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَإِنَّا عَلَى آثَارِكُمْ وَآرِدُونَ»^{۱۲} جندب گوید با سلمان به طرف حرّه (منطقه سنگلاخ) رفتیم تا اینکه رسیدیم به قبور سلمان از طرف راستش به طرف قبور توجه کرده و گفتند درود بر اهل دیار مردان و زنان مؤمن شما کسانی بودید که جلوتر از ما رفتید و و ما نیز پشت سر شما می آییم»

هر چند محقق کتاب المصنف^{۱۳} با مطرح کردن اختلاف در توثیق دو تن از روات یعنی اجلح و عبدالله بن شریک، سعی در تضعیف روایت دارد^{۱۴} اما باید بگوییم اجلح هر چند متهم به تشیع می باشد و در خصوص او اختلاف وجود دارد اما توثیقات او بیشتر می باشد^{۱۵} همچنان که هیثمی می گوید «واختلف فی الأجلح الکندی والأکثر علی توثیقه»^{۱۶}. عبدالله بن شریک نیز که متهم به تشیع می باشد دارای توثیقات فراوان می باشد.^{۱۷} گذشته از توثیقات زیاد در خصوص این دو راوی باید بگوییم بزرگان اهل سنت در صورت «مختلف فیه» بودن راوی، حکم به «حسن» بودن روایت آن شخص می کنند با این وجود روایت معتبر می باشد.^{۱۸}

^{۱۰} مزی، یوسف، تهذیب الکمال ج ۵ ص ۱۴۱.

^{۱۱} مصنف ابن ابی شیبہ ج ۳ ص ۲۷

^{۱۲} ابن ابی شیبہ، المصنف، محقق ابی محمد اسامه بن ابراهیم بن محمد ج ۴ ص ۴۹۶.

^{۱۳} محمد بن فضیل که ابن ابی شیبہ از او نقل روایت می کند نیز در رجال اهل سنت توثیقات فراوان دارد جند ازدی نیز صحابی می باشد.

^{۱۴} ابن حجر، تقریب التهذیب ج ۱ ص ۹۶.

^{۱۵} هیثمی، مجمع الزوائد ج ۱ ص ۱۸۹ بیروت، دار الریان

^{۱۶} عسقلانی، ابن حجر، تقریب التهذیب ج ۱ ص ۳۰۷

^{۱۷} همان ج ۵ ص ۲۲۸

بنابراین از این روایت برداشت می شود که نه تنها اصل زیارت قبور رفتن جزء سیره صحابه بوده است، بلکه در مواردی همراه با افراد دیگر به زیارت می رفتند.

زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام توسط صحابی گرانقدر جابر بن عبدالله انصاری

جابر بن عبدالله انصاری صحابه بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از شنیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش، مدینه را به قصد زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام ترک کرد و به عنوان اولین زائر امام حسین علیه السلام در روز اربعین، به زیارت ایشان مشرف شد. موفق بن احمد مکی خوازمی که مورخ، ادیب، فقیه و از بزرگان علمای احناف^{۱۸} بشمار می رود، جریان زیارت جابر با عطیه که از تابعین می باشد را چنین نقل می کند: خَرَجْتُ مَعَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ زَائِرِينَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا وَرَدْنَا كَرْبَلَاءَ دَنَا جَابِرٌ مِنْ شَاطِئِ الْفَرَاتِ فَاغْتَسَلَ، ثُمَّ انْتَزَرَ بِإِزَارٍ وَارْتَدَى بِآخِرِ، ثُمَّ فَتَحَ صُرَّةً فِيهَا سَعْدٌ فَتَنَّثَرَهَا عَلَى بَدَنِهِ، ثُمَّ لَمْ يَخْطُ خُطْوَةً إِلَّا ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى.

حَتَّى إِذَا دَنَا مِنَ الْقَبْرِ قَالَ: أَلْمَسْنِيهِ فَالْمَسْتُهِ فَخَرَّ عَلَى الْقَبْرِ مَغْشِيًّا عَلَيْهِ فَرَشَشْتُ عَلَيْهِ شَيْئًا مِنَ الْمَاءِ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ: يَا حُسَيْنُ ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ: حَبِيبُ لَا يُجِيبُ حَبِيبَهُ. ثُمَّ قَالَ: وَأَنْتَى لَكَ بِالْجَوَابِ وَقَدْ شُحِطَتْ أَوْدَاجُكَ عَلَى أَثْبَاجِكَ، وَفُرِّقَ بَيْنَ بَدَنِكَ وَرَأْسِكَ، فَأَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَابْنُ سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنُ حَلِيفِ التَّقْوَى وَسَلِيلِ الْهُدَى وَخَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ وَابْنُ سَيِّدِ النَّقَبَاءِ وَابْنُ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ وَمَا لَكَ لَا تَكُونُ هَكَذَا وَقَدْ غَذَّتْكَ كَفُّ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَرَبَّيْتَ فِي حِجْرِ الْمُتَّقِينَ وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ وَفُطِمْتَ بِالْإِسْلَامِ فَطِبْتَ حَيًّا وَطِبْتَ مَيِّتًا غَيْرَ أَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ طَيِّبَةٍ لِإِفْرَاقِكَ وَلَا شَاكَّةٌ فِي الْخَيْرَةِ لَكَ فَعَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ أَخُوكَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا.

ثُمَّ جَالَ بِبَصَرِهِ حَوْلَ الْقَبْرِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَرْوَاحُ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَاءِ الْحُسَيْنِ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمُ الْمُلْحِدِينَ وَعَبَدْتُمُ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ. وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِيهِمَا دَخَلْتُمْ فِيهِ. قَالَ عَطِيَّةٌ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا جَابِرُ! كَيْفَ وَلَمْ نَهْبِطْ وَادِيَا وَلَمْ نَعْلُ جَبَلًا وَلَمْ نَضْرِبْ بِسَيْفٍ وَ الْقَوْمُ قَدْ فُرِّقَ بَيْنَ رُؤُوسِهِمْ وَأَبْدَانِهِمْ، وَأُوتِمَتْ أَوْلَادُهُمْ وَأُرْمِلَتْ أَزْوَاجُهُمْ؟! فَقَالَ: يَا عَطِيَّةُ! سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُشِرَ مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمٍ أُشْرِكَ فِي عَمَلِهِمْ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ نَبِيَّتِي وَنَبِيَّ أَصْحَابِي عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابُهُ خَذُوا بِي نَحْوَ آيَاتِ كُوفَانِ.

^{۱۸} اصفهانی، ابوالفرج، خريدة القصر و جريدة العصر فی ذکر فضلاء أهل خراسان و هراة ج ۲ ص ۱۷۳ أبو عبد الله عماد الدین بن محمد بن صفی أبو الفرج

محمد بن نفیس الدین الاصفهانی الوفاة: ۵۹۷ هـ، مرآة التراث - طهران / ایران - ۱۹۹۹م، چاپ اول، تحقیق: د. محمد عدنان آل طعمه و زرکلی،

فَلَمَّا صِرْنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ قَالَ: يَا عَطِيَّةُ! هَلْ أُوصِيكَ وَمَا أَظُنُّ أَنَّيَ بَعْدَ هَذِهِ السَّفَرَةِ مُلَاقِيكَ؟ أَحِبِّ مُحِبَّ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا أَحَبَّهُمْ وَأَبْغَضِ مُبْغِضَ آلِ مُحَمَّدٍ مَا أَبْغَضَهُمْ وَإِنْ كَانَ صَوَامًا قَوَامًا، وَأَرْفُقْ بِمُحِبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، فَإِنَّهُ إِنْ تَزَلَّ لَهُ قَدَمٌ بِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ ثَبَّتَ لَهُ أُخْرَى بِمَحَبَّتِهِمْ ، فَإِنَّ مُحِبَّهُمْ يَعُودُ إِلَى الْجَنَّةِ ، وَمُبْغِضُهُمْ يَعُودُ إِلَى النَّارِ.

۱۱. «همراه جابر بن عبدالله انصاری به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) رهسپار شدیم. هنگامی که نزدیک کربلا رسیدیم، جابر در نهر فرات غسل کرد و با دوپارچه خود را پوشاند. آنگاه سر کیسه ی عطری را باز کرد و مقداری از آن را بر بدن خود پاشید و خود را خوش بو ساخت. هر گامی که به سوی قبر امام حسین (علیه السلام) برمی داشت، زبانش به ذکر و یاد خدا مشغول بود. هنگامی که نزدیک قبر رسید، گفت: دست مرا به قبر برسان. دست او را روی قبر نهادم. جابر از بسیاری غم و اندوه از هوش رفت و روی قبر افتاد. من به سر و صورتش آب پاشیدم. آن گاه که به هوش آمد سه بار فریاد زد: یا حسین. سپس گفت: چگونه دوستی است که پاسخ دوست خود را نمیدهد؟ آن گاه به خود پاسخ داد و گفت: چگونه میتوانی پاسخ بدهی، در حالی که رگ های گردنت بریده شده، خونت ریخته شده و سرت از بدن جدا شده است؟ گواهی می دهم که تو زاده خاتم پیامبران، فرزند سرور اوصیا، همزاد تقوا، از نسل هدایت، پنجمین عضو اصحاب کسا، فرزند سرور برگزیدگان الهی و زاده زهرای اطهر؟ عها؟ سرور زنان جهان هستی. چگونه چنین نباشد در حالی که از دست سرور پیامبران غذا خورده ای، در دامن پرهیزکاران پرورش یافته ای، از پستان ایمان شیر نوشیده ای و با نور اسلام از شیر گرفته شده ای. تو چه در زندگی و چه پس از مرگ، پاک بوده ای. دل های مومنان از فراق و دوری تو آزرده شده است و در خیر خواهی تو شکی نیست. سلام و درود خدا بر تو باد. گواهی می دهم که تو بر همان راهی که یحیی بن زکریا رفت، گام نهادی. عطیه گفت: سپس جابر به اطراف قبر روی گرداند و چنین گفت: درود بر شما روان های پاک که با نثار جان خویش در راه حسین در بارگاه او آرمیده اید. گواهی می دهم که شما نماز برپا داشتید و زکات پرداخت کردید. امر به معروف و نهی از منکر کردید و خداوند را تا لحظه جان دادن و مرگ عبادت کردید سوگند به خداوندی که محمد (صلی الله علیه و آله) را به پیامبری برانگیخت، ما نیز در پاداش شما شریک هستیم. عطیه گفت: به جابر بن عبدالله گفتم: چگونه در پاداش این شهیدان با آنان شریکیم در حالی که در راه شهادت گامی برنداشته، شمشیری نزنده ایم؟ حال آنکه سرهای آنان در راه خدا از تن جدا گشت و فرزندان شان یتیم و همسرانشان بیوه شدند؟ جابر پاسخ داد: از جد او (امام حسین (علیه السلام)) صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که میفرمود: هر کس گروهی را دوست بدارد، روز رستخیز در صف آنان قرار می گیرد و هر کس رفتار گروهی را دوست داشته باشد، در پاداش یا کیفر عمل آنان شریک خواهد بود. با من به سمت خانه های کوفیان بیا. پس هنگامی که به راه افتادیم، جابر گفت: ای عطیه! گمان نمیکنم بعد از این سفر تو را ملاقات کنم، آیا برایت وصیتی کنم؟ دوستداران آل

محمد ﷺ را دوست بدار مادامی که آنها را دوست دارند و دشمنان آل محمد ﷺ را دشمن بدار مادامی که بر این دشمنی باقی هستند هر چند دائماً روزه دار و شب زنده دار باشند

۱۹۰ الجزء الثاني مقتل الحسين ﷺ للخوارزمي

يا بني! رايك تصنع مالم ارك تصنع مثله! فقال: يا بني! اني سررتُ بكم اليوم سروراً لم أسر بكم مثله، وان حبيبي جبريل ﷺ آتاني، فاخبرني: انكم قتل، وان مصارعكم شتى فدعوت الله لكم واحزنني ذلك، فقال الحسين: يا رسول الله ائمن يزورنا على تشننا، ويتعاهد قبورنا؟ قال: طائفة من امتي يريدون بري وصلتي، فاذا كان يوم القيامة شهدتها بالموقف، واخذت باعضائها فانجيتها -والله- من أهواله وشدائده.

۲- اخبرنا الشيخ الإمام الزاهد أبو جعفر محمد بن عمر بن أبي علي -كتابه-، اخبرنا الشيخ الإمام أبو الحسين زيد بن الحسن بن علي البيهقي، اخبرنا السيد الإمام النقيب علي بن محمد بن جعفر الحسيني، حدثنا السيد الإمام أبو طالب يحيى بن الحسين بن هارون الحسيني، اخبرنا أبي، اخبرنا أبو أحمد إسحاق بن أحمد المقرئ -بالكوفة-، حدثنا عبد الله بن محمد الايادي، حدثنا عمر بن مدرك، حدثنا محمد بن زياد المكي، اخبرنا جرير ابن عبد الحميد، عن الاعمش، عن عطية العوفي، قال: **خرجت مع جابر ابن عبد الله الانصاري زائراً قبر الحسين بن علي فلما وردنا كربلاء، دنا جابر من شاطئ القرات فاغسل، ثم انثر بازار وارندى بأخر، ثم قلع صرة فيها سعد فتره على بدنه، ثم إنه لم يخط خطوة إلا ذكر فيها الله تعالى، حتى إذا دنا من القبر قال: السبي يا عطية! فالتفت، فخر على القبر مفضياً عليه، فرشحت عليه شيئاً من الماء، فلما أفاق قال: يا حسين يا حسين - ثلاثاً - ثم قال: حبيب لا يحجب حبيبه، وإني لك بالجواب، وقد شحبت أوداجك على أتاجك، وفرق بين رأسك وبدنك؟ فاشهد أنك ابن خاتم النبيين، وابن سيد الوصيين، وخليف النبي، وسليل الهدى، وخامس أصحاب الكساء، وابن سيد النقاء، وابن فاطمة سيدة النساء، ومالك لا تكون هكذا، وقد**

مَقْتَلُ الْحُسَيْنِ ﷺ

لِلْخَوَارِزْمِيِّ

أَبِي الْمُرَيْدِ الْمَوْفِقِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَكِّيِّ خَطِّبِ خَوَارِزْمٍ

لِلتَّائِي سَنَةِ ٥٦٨ هـ

تَحْقِيقُ
عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ نَمَافِي

تَضَيُّعُ
دَارِ أَنْوَارِ الْهَدْيِ

با توجه به روایات صحیحی که وارد شده است روشن است که سفر برای زیارت قبور شهدا آنها به صورت گروهی جزو سنت پیامبر بوده است. به همین خاطر بسیاری از علمای پیرو سنت پیامبر سفر برای زیارت را جایز و سفر برای زیارت قبور اولیاء الهی را مستحب می دانند. نمونه های زیادی از سخنان و سیره علمای اهل سنت بر رجحان و پسندیده بودن زیارت قبور اهل بیت: وجود دارد که طبعاً مقدمه آن که سفر برای زیارت باشد را نیز انجام می داده اند و کسی نمی تواند ادعا کند که سفر برای زیارت قبور در میان اهل سنت وجود نداشته است.

ابن الحاج عالم مشهور اهل سنت در کتاب «تعریف الأنام فی زیارة خير الأنام» درباره زیارت قبر رسول خدا ﷺ می گوید:

رفتن به سوی مکه دلیل شرعی دارد که همان حج وعمره می باشد ورفتن به سوی مدینه برای زیارت پیامبر ﷺ که برتر از کعبه و بیت المقدس هستند، ربطی به حج وعمره ندارد. این مسئله ایست که تمام مسلمین دارای اعتقاد صحیح به آن معتقدند و از زیارت روی بر نمی تابند مگر شخص مشرک ومعاوند با خدا ورسول ﷺ وی در ادامه می گوید: و قد

نقل ابن هبيرة (م 560 ق (فی کتاب اتفاق الائمة قال : اتفاق مالک و الشافعی و ابوحنیفه و احمد بن حنبل رحمہ اللہ تعالیٰ علی أن زیارة النبی ﷺ مستحبة»^{۲۰} ابن هبيرة در کتابش (اتفاق الامة) می نویسد: مالک ، ابوحنیفه ، شافعی و احمد حنبل اتفاق دارند که زیارت قبر پیامبر ﷺ مستحب است. بزرگان دیگر اهل سنت نیز این مسئله را اجماعی دانسته و به مخالفت‌های ابن تیمیه در این خصوص اعتناء نمی کنند.^{۲۱}

علمای اهل سنت نه تنها زیارت پیامبر بلکه اولاد شهید او را نیز زیارت کرده و زیارتش را مستحب می دانسته اند. بسیاری از علمای اهل سنت از گذشته تا حال به زیارت قبر امام رضا علیه السلام می رفتند تا توسل و تبرک به این ولی خداوند داشته باشند ابن حبان می گوید: علی بن موسی الرضا بسبب شربت مسمومی که مأمون به او داد از دنیا رفت و در کنار رشید دفن شد. من بارها آنرا زیارت کرده ام و هر گاه مشکلی برایم پیش می آمد این قبر را زیارت می کردم و از خدا رفع مشکلم را درخواست می کردم و خداوند مشکلم را حل می کرد.^{۲۲}

زیارت کاروانی علمای اهل سنت از قبر امام رضا علیه السلام

در متون اهل سنت نقل شده است که گاهی این بزرگان به صورت گروهی و دسته جمعی، قصد زیارت حضرت امام رضا علیه السلام می کردند ابن حجر عسقلانی در «تهذیب التهذیب» می نویسد: وسمعت أبا بکر محمد بن المؤمل بن الحسن بن عیسی یقول خرجنا مع إمام أهل الحديث أبي بکر بن خزيمة وعديله أبي علی الثقفی مع جماعة من مشائخنا وهم إذ ذاك متوافرون إلى زیارة قبر علی بن موسی الرضی بطوس قال فرأيت من تعظیمه یعنی بن خزيمة لتلك البقعة وتواضعه لها وتضرعه عندها ما تحیرنا^{۲۳}.

روزی با پیشوای اهل حدیث ابوبکر بن خزيمة و ابو علی ثقفی و دیگر مشایخ خود به زیارت قبر علی بن موسی الرضا در طوس رفتیم. در حالی که آنها نیز زیاد بودند محمد بن مؤمل گفت: ابن خزيمة، چنان در برابر بارگاه آن حضرت، تعظیم و کرنش و تضرع می کرد که حیرت زده شدیم.

^{۲۰} ابن الحاج محمد، تعریف الانام فی التوسل بالنبی و زیارته علیه الصلاة والسلام صفحه ۵.

^{۲۱} خفاجی حنبلی شهاب الدین، نسیم الریاض فی شرح شفاء القاضی عیاض، ج ۵ ص ۹۶.

^{۲۲} ابن حبان، محمد، الثقات، دائرة المعارف العثمانیة بحیدر آباد، دکن هند، چاپ اول، ۱۳۹۳ق. ج ۸، ص ۴۵۷.

^{۲۳} - ابن حجر عسقلانی، احمد، تهذیب التهذیب، مطبعة دائرة المعارف النظامیة، هند، چاپ اول، ۱۳۲۶ق. ج ۷، ص ۳۸۸.

يسند ابا دمن طوس يقين من شهر رمضان ليلة الجمعة من سنة (۲۰۳) وهو ابن (۴۹) سنة وستة اشهر ثم حكى من طريق اخرى انه مات في صفر. قال وسمعت ابا بكر محمد بن المؤمل بن الحسن بن عيسى يقول خرجنا مع امام اهل الحديث ابي بكر بن خزيمة وعديله ابي علي الشافعي مع جماعة من مشائخنا وهم اذ ذاك متوافرون الى زيارة قبر علي بن موسى الرضى بطوس (۱) قال فرأيت من تدفنيه بمنى ابن خزيمة لتلك البقعة ونواضعه لما تضرعه عندها ما تحيرنا وقال ابو سعد بن السمعاني في الانساب قال ابو حاتم بن حبان يروى عن ابيه العجائب كانه كان يهو يخطى ومات يوم السبت آخر يوم من صفر وقد سمع في ما الرمان وسقى. قلت. واورده ابن حبان بسند عن آباءه مرفوعا السبت لنا والاحد لثبتهنا والاثنين لبني امية والثلاثاء لشيعتهم والاربعاء لبني العباس والخميس لشيعتهم والجمعة للناس جميعا. وبه لما سرى بي الى السماء فسقط الى الارض من عرق فثبت منه الورد فمن احب ان يشمر يراى حتى فيلثم الورد. وبه اد هنوا بالنفس فانه بارد في الصيف حار في الشتاء. وبه من اكل رمانة بقشرها حتى يستتم اثار الله قلبه اربعين يوما وبه الحناء بعد النورة امان من الجذام. وبه كان صلى الله عليه وآله وسلم اذ اعطس قال له علي يرفع الله ذكرك فاذا عطس علي قال له اعلى الله كعبك. وفيه من ادى فريضة فله عند الله دعوة مستجابة. قال التباقي في ذيل الكامل لم يذكر ابن حبان هل هذه الاحاديث من رواية ابي الصلت (۱) ومشهد بها معروف يزاد ۱۲ خلاصه

الحمد لله الذي وفقنا ويسر لنا طبع

الجزء السابع

من كتاب

تهذيب التهذيب

للامام الحافظ الحجة شيخ الاسلام شهاب الدين

أبي الفضل احمد بن علي بن حجر العسقلاني

المتوفى سنة (۸۵۴) رحمه الله تعالى

بمنه وكرمه آمين

الطبعة الاولى

بمطبعة مجلس دائرة المعارف النظامية الكائن في الهند

بحر وسعة حيدر اباد الدكن عمرها الله الى اقصى الزمن

سنة (۱۳۲۶) هجرية

با توجه به تصريح ابن حجر بر اينكه مشايخ و علمای اهل سنت به صورت گروهی به زیارت امام رضا عليه السلام می رفتند، آیا باز می توان گفت که سفر دسته جمعی و گروهی برای زیارت قبور مشروع نیست؟!

بار سفر بستن برای زیارت قبور انبیاء و صالحین عليهم السلام، مورد اتفاق مسلمین است.

با توجه به آنچه گذشت روشن شد که سفر برای زیارت قبور انبیاء، بزرگان دین، شهداء، صالحین و اقوام، در بین اهل سنت و شیعه مورد اتفاق بوده و در خصوص مشروعیت، فضیلت و پاداش زیارت قبور، روایات فراوان نیز از نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم، اهل بیت علیهم السلام و صحابه نقل شده^{۲۴} است و حتی رفتن برای زیارت قبور شهداء و صالحان و گذشتگان جزء سیره دائمی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت زهراء علیها السلام^{۲۵}، صحابه و خلفاء، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز بوده است^{۲۶}. در خصوص اجماعی بودن این مسئله و ثابت بودن آن نزد بزرگان اهل سنت چند نمونه را ذکر می کنیم:

^{۲۴}. ابن بطال، شرح صحیح البخاری لابن بطال ج ۳ ص ۲۷۰

^{۲۵}. عبدالرزاق، مصنف، ج ۳ ص ۵۷۳ ح ۶۷۱۶ بیروت، المکتب الاسلامی «عبد الرزاق عن رجل من أهل المدينة عن سهيل بن أبي صالح عن محمد بن إبراهيم التيمي قال كان النبي صلى الله عليه و سلم يأتي قبور الشهداء عند رأس الحول فيقول السلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار قال وكان أبو بكر وعمر وعثمان يفعلون ذلك»

در کتاب موسوعه الفقهيّة الكويتيّة که به عنوان یکی از مهمترین کتابهای موسوعه فقهي معاصر اهل سنت به شمار می رود، در ذیل « شد الرحال لزيارة القبور»، فتوای علمای اهل سنت درباره کیفیت قصد سفر برای زیارت انبیاء و صالحین چنین آمده است:

«ذهب جمهور العلماء إلى أنه يجوز شد الرحل لزيارة القبور، لعموم الأدلة، وخصوصاً قبور الأنبياء والصالحين»^{۲۶} نظر جمهور علماء بر این است که بار سفر بستن برای زیارت قبور بنا بر تمامی دلائل و بویژه قبور انبیاء و صالحین مجاز است.

زیارة القبور ۲ - ۵

إليه ما رحلت، إني سمعت رسول الله ﷺ يقول: «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجدي هذا، والمسجد الأقصى»^(۱). ونقل ابن تيمية هذا المذهب عن بعض الصحابة والتابعين.^(۲)

وحمل القائلون بالجواز الحديث على أنه خاص بالمساجد، فلا تشد الرحال إلا لثلاثة منها. بدليل جواز شد الرحال لطلب العلم وللتجارة، وفي رواية «لا ينبغي للمطي أن تشد رحاله إلى مسجد ينفي فيه الصلاة غير المسجد الحرام والمسجد الأقصى ومسجدي هذا»^(۳).

زیارة قبر النبي ﷺ :

۴ - لا خلاف بين العلماء في استحباب زیارة قبر النبي ﷺ، وفي زیارة قبور الأنبياء والأولياء تفصيل ينظر في (زیارة قبر النبي ﷺ).

آداب زیارة القبور :

۵ - قال الحنفية: السنة زیارتها قائماً، والدعاء

(۱) حديث: «أبى بصرة الغفاري مع أبي هريرة، أخرجه أحمد (۷/۶) - ط الميمنية وإسناده صحيح.

(۲) ابن عابدين ۱/۶۰۴، فتح الباري ۳/۶۵، سبل السلام ۴/۲۱۳، مطالب أولي النهى ۲/۹۳۱، شرح البهجة ۲/۱۲۰.

(۳) حديث: «لا ينبغي للمطي أن تشد رحاله...» أخرجه أحمد (۳/۶۴) - ط الميمنية من حديث أبي سعيد الخدري، وأورده الهيثمي في المجمع (۳/۳) - ط القدسي، وقال: رواه أحمد، وفيه شهر، وحديثه حسن.

عليهم الصلاة والسلام، لعموم الأدلة في طلب زيارته ﷺ.^(۱)

زیارة قبر الکافر :

۲ - ذکر الشافعية والحنابلة أن زیارة قبر الکافر جائزة. وقال الماوردي: تحرم زیارة قبر الکافر.

قال الحنابلة: ولا يسلم من زار قبر كافر عليه، ولا يدعوله بالمغفرة.^(۲)

شد الرحال لزيارة القبور :

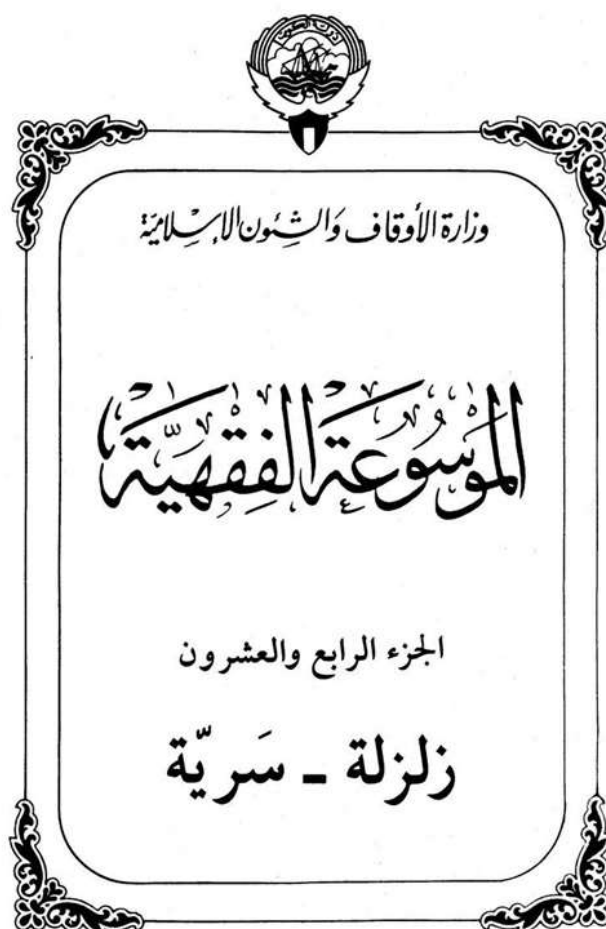
۳ - ذهب جمهور العلماء إلى أنه يجوز شد الرحل لزيارة القبور، لعموم الأدلة، وخصوصاً قبور الأنبياء والصالحين.

ومنع منه بعض الشافعية، وابن تيمية - من الحنابلة - لقوله ﷺ: «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: مسجدي هذا، والمسجد الحرام، والمسجد الأقصى»^(۳) وأخرج أحمد في المسند عن عمر بن عبد الرحمن بن الحارث قال: لقي أبوبصرة الغفاري أبا هريرة، وهو جاء من الطور فقال: من أين أقبلت؟ قال: من الطور، صليت فيه. قال: أما لو أدركتك قبل أن ترحل

(۱) ابن عابدين ۱/۶۰۴، الشرح الصغير ۱/۲۲۷، شرح البهجة ۲/۱۲۰، كشف القناع ۲/۱۵۰، غاية المنتهى ۱/۲۵۶، المغني ۲/۵۶۵، ۵۷۰.

(۲) أسنى المطالب ۱/۳۳۱، كشف القناع ۲/۱۵۰، الجمل على المنهج ۲/۲۰۹.

(۳) حديث: «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد...» أخرجه البخاري (الفتح ۳/۶۳) - ط السلفية، وسلم (۲/۱۰۱۴) - ط الحلبي من حديث أبي هريرة، واللفظ لمسلم.



جالب است که این موسوعه نظر ابن تیمیه به عنوان مخالف سفر برای زیارت قبور و مستند او را هم نقل کرده و به آن پاسخ داده است.

قاضی عیاض نیز در کتاب «الشفاء بتعریف حقوق المصطفی» در معرفی حقوقی که پیامبر ﷺ بر گردن امت دارند، زیارت مرقد ایشان را یکی از این حقوق دانسته و به این نکته تصریح می کند که آن اتفاق بین امت می باشد:

«وزیارة قبره صلی الله علیه وسلم سنة من سنن المسلمين مجمع علیها وفضيلة مرغب فیها»^{۲۷} زیارت قبر پیامبر ﷺ سنتی است از سنت‌های تمام مسلمین که همه بر آن اتفاق دارند و فضیلتی است که مورد سفارش است. وجود این همه ادله ثابت می کند که سفر دسته جمعی برای زیارت قبور اولیای الله و صالحان و شهداء در بین اهل سنت ثابت بوده است و این نوع زیارت از مختصات شیعه نمی باشد بلکه سیره پیامبر ﷺ، صحابه، و بزرگان اهل سنت نیز چنین بوده است بنابراین نباید به هر بهانه ای زیارت رفتن اهل سنت به زیارت اهل بیت ﷺ چه در ایام اربعین و غیره را زیر سوال برد!

دیدگاه علمای اهل سنت درباره پیاده‌روی اربعین



ماموستا ملامصطفی محمودی امام جمعه پیرانشهر با اشاره به اهمیت زیارت امام حسین ﷺ در کربلا گفت: رفتن به کربلا و زیارت امام حسین ﷺ در هر زمانی مناسب است و در ایام اربعین بهتر می باشد.

ماموستا محمودی با اشاره به اینکه پیاده‌روی اربعین یک تجمع عبادی و سیاسی است، تصریح کرد: عبادی است، زیرا زائران به سمت ولی خدا می روند، کسی که محبوب خدا بوده؛ تا در کربلا به مقام و روح این ولی خدا احترام بگذارند.

وی افزود: علاوه بر عبادی بودن، این برنامه سیاسی هم است، زیرا این تجمع در برابر کافران و افراد ضد دین تشکیل می شود و باعث می شود در دل آن‌ها رعب و وحشت به وجود بیاید، این حرکت صف‌آرایی است در برابر ظالمان، تا بدانند مسلمانان آگاه و در میدان هستند و در خواب نیستند.

این عالم اهل سنت در پایان با اشاره به اینکه پیاده‌روی اربعین حسینی حاصل عشق و علاقه است و تهدید در آن اثر ندارد، تأکید کرد: ظالمان، ستمکاران، اشغالگران و استعمارگران و در رأس آن‌ها آمریکا، کشورهای استعماری غربی،

^{۲۷} قاضی عیاض، کتاب الشفاء (م) ج ۲ ص ۷۱

سعودی و آنها که ضد دین هستند و می‌خواهند که اسلام نتواند سر بلند کند، بدانند که دیگر آن زمان که مسلمانان را مورد ظلم قرار می‌دادند، گذشت.

پیاده‌روی اربعین حیات همگانی را تضمین میکند

شیخ محمدعزیز حنیفی امام جمعه اهل سنت شهر فیشور و عضو شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت نیز در توضیح اینکه ۲۰ صفر مصادف با بازگشت اهل بیت رسول الله ﷺ بعد از واقعه جانسوز عاشورا به کربلا است و آزادگان جهان در این روز برای ابراز همدردی با کاروان اسرا با پای پیاده به کربلا می‌روند، گفت: امروزه ما مسلمانان در عصر پرتلاطم و فضای آشفته نیازمند چیزی هستیم که حیات جاودانی و همگانی را تضمین کند و آن ایمان است؛ خداوند فرموده، اهل ایمان به همدیگر رحمت و شفقت دارند و نسبت به یکدیگر محبت می‌کنند.

عضو شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت با اشاره به اینکه دشمنان مانع تجمع و همبستگی مسلمانان هستند و آن را تهدید می‌دانند، تصریح کرد: آن‌ها تجمع مسلمانان را برای خودشان خطر می‌دانند، زیرا از هیبت اسلام و ایمان مسلمانان وحشت دارند و دست به هر کاری می‌زنند؛ باید بدانیم که دشمن از چه راه و وسیله‌ای استفاده می‌کند.

شیخ حنیفی در پایان با اشاره به اینکه در روایات اهل سنت از پیامبر ﷺ داریم که به امام حسین علیه السلام گفتند، جماعتی تو را می‌کشند که راه و روش درستی ندارند، افزود: همه ما بر این باوریم که نسبت به امام حسین علیه السلام ظلم و جنایت و تخطی شده است، با توجه به ظلمی که به امام حسین علیه السلام و اهل بیت پیامبر ﷺ در روز عاشورا انجام گرفته، باید ضمن معرفی ظالم و ستمگر، ابراز علاقه و محبت به ایشان در هر جایی که امکان‌پذیر است، انجام شود.

تجمعات مذهبی در جهان تأثیر به سزایی دارد



شیخ احمد خنجی امام جمعه اهل سنت پاریس نیز با اشاره به برگزاری تجمع مسلمانان و آزادگان جهان در مراسم پیاده روی اربعین حسینی گفت: همیشه آیین‌ها و ادیان مختلف با هدف همبستگی ایامی را گرامی می‌دارند که یکی از پیامدهای اینگونه تجمعات و حرکات مذهبی، نمود جهانی آن است، که در جامعه جهانی تأثیر به سزایی دارد.

وی با تأکید بر اینکه مقام معظم رهبری نقش اربعین را در تقویت قدرت اسلام بسیار زیاد می‌دانند، افزود: کربلا نماد تبلور وحدت و بیعت با امام حسین (علیه السلام) است که نمود جهانی دارد و چنانچه که در نوشته‌ها می‌بینیم زیارت مزار امام حسین (علیه السلام) سابقه طولانی دارد.

این عالم اهل سنت با اشاره به تهدیدهای صورت گرفته در خصوص تجمع مسلمانان در اربعین حسینی تصریح کرد: این گونه زیارت دسته جمعی در عرصه تاریخ به سختی انجام می‌شده و همیشه جان زائران در خطر بوده است، با این وجود زائران عاشقانه خطرات را به جان می‌خریدند و امروز نیز این چنین است.

وی با اشاره به اینکه یکی از ایده‌ها و عقیده‌های اهل سنت زیارت مزار بزرگان است و اهل سنت هم در کربلا به زیارت امام حسین (علیه السلام) می‌روند، گفت: تجمعی که در ۲۰ صفر و در کربلا صورت می‌گیرد، تجمعی است که آزادگان جهان بدون توجه به دین و مذهب در آن شرکت می‌کنند و با اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) که در کربلا مورد ظلم قرار گرفتند، ابراز همدردی می‌کنند.

شیخ خنجی افزود: این تجمع نمادی برای مقابله با ظلم و گویای تظلم‌خواهی است و نوعی اعتراض به ظلم و ستم‌ها در گذشته و حال است و مسلمانان باید همیشه نسبت به ظلم عکس‌العمل نشان دهند و برای از بین بردن آن اقدام کنند.

وی اظهار داشت: همیشه مخالفان اینگونه حرکات بوده‌اند و امروز هم شاهد هستیم که گروه‌هایی مثل داعش و مستکبران از این تجمعات ناراضی هستند و علاقه‌ای ندارند که اینگونه اقدامات صورت بگیرد و با چنین حرکاتی دشمنی می‌کنند، زیرا اختلاف و تضاد فکری با این برنامه‌ها دارند و دنبال از بین بردن این تجمعات هستند.^۲

«والسلام علی من اتبع الهدی»

^{۲۸} ۱. <https://www.farsnews.com/news13940909001285/>